



چهره‌ی پنهان سیاست

بازشناسی تحول نفوذ از نیمه پنهان به پنهان و پنهان تر

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

بخش اول: از آشفته‌گی مفهومی تا آرامش معنایی

فصل اول: آشفته‌گی مفهومی ۱۹

۱-۱. تکثر مفهومی ۱۹

۲-۱. آشفته‌گی در مرزهای مفهومی ۲۱

۳-۱. آشفته‌گی برداشت در مفهوم نفوذی ۲۳

فصل دوم: آرامش معنایی ۲۵

۱-۲. نفوذ در گفتمان عینی - سخت ۲۵

۲-۲. نفوذ در گفتمان ذهنی - نرم ۲۸

بخش دوم: عصری بودن نفوذ

فصل سوم: نفوذ سنتی یا کلاسیک ۳۵

فصل چهارم: نفوذ نوین یا مدرن ۴۱

فصل پنجم: نفوذ فرانوین ۴۵

بخش سوم: نرم‌تر شدن نفوذ، به مثابه قلب سیاست

فصل ششم: نرم شدن قدرت - نرم شدن نفوذ ۵۵

۶۳	فصل هفتم: فناوری‌های ارتباطی و نرم شدن نفوذ
۶۹	فصل هشتم: نظریه‌های علوم رفتاری، به مثابه قواعد رزم
۷۵	فصل نهم: رجحان ساحت‌های نرم در نفوذ
۷۶	۱-۹. ساحت شناختی - ذهنی
۷۷	۲-۹. ساحت گرایشی - قلبی
۷۸	۳-۹. ساحت کنشی - رفتاری

بخش چهارم: چهره نیمه پنهان (رخنه و ارتباط)

۸۵	فصل دهم: نفوذ رخنه محور
۸۷	۱-۱۰. نفوذ اطلاعات محور
۱۰۶	۲-۱۰. نفوذی با مأموریت ویژه
۱۰۷	۱-۲-۱۰. عملیات ویژه
۱۱۴	۲-۲-۱۰. عملیات اخلا لگري
۱۱۷	فصل یازدهم: نفوذ راهبردی
۱۱۷	۱-۱۱. نفوذ در نهادهای سیاسی (مراکز تصمیم سازی و تصمیم گیری)
۱۱۸	۱-۱-۱۱. الی گهن، نفوذی باور نکردنی
۱۲۰	۲-۱-۱۱. لومومبا قربانی نفوذ در نمایندگان
۱۲۰	۳-۱-۱۱. شاپور ریپورتر، مجری خاموش انگلیس در دربار
۱۲۱	۴-۱-۱۱. ارنست پرون در مسیر پهلوی
۱۲۲	۵-۱-۱۱. امیرانتظام، نفوذی مرموز
۱۲۵	۲-۱۱. نفوذ در دفاتر اشخاص و نهادهای دینی
۱۲۷	۱-۲-۱۱. شیخ محمد رشتی، مغز متفکر بیت آیت الله سید محسن حکیم
۱۲۸	۲-۲-۱۱. نفوذی انگلیسی در لباس نوکر
۱۲۹	۳-۲-۱۱. نفوذی‌ها در انحراف مشروطیت
۱۲۹	۴-۲-۱۱. طراحی عملیات نفوذ در باغ سلیمان خان میکده
۱۳۲	۵-۲-۱۱. خوش بینی شریعتمداری، محملی برای نفوذی‌ها

۱۳۷	۶-۲-۱۱. نفوذ از طریق فرزند
۱۳۹	۷-۲-۱۱. ناکامی نفوذ با توسل به فرزند
۱۴۱	۸-۲-۱۱. نفوذی جداکننده پاره تن امام خمینی (ره)
۱۴۶	۹-۲-۱۱. لیبرال‌ها و منافقین در بیت منتظری
۱۴۹	۳-۱۱. نفوذ در نهادهای مدنی
۱۵۰	۱-۳-۱۱. نفوذ در گروه‌های سیاسی
۱۵۷	۲-۳-۱۱. تلاش برای نفوذ یارگیرانه
۱۶۰	۳-۳-۱۱. مصداقیابی نفوذ در رسانه‌ها و مطبوعات
۱۷۲	۴-۳-۱۱. سازمان‌های غیردولتی، ابزاری طبیعی برای پنهان‌سازی سیاست نفوذ
۱۷۹	فصل دوازدهم: نفوذ جلبی
۱۸۰	۱-۱۲. نفوذ انتخابی
۱۸۱	۱-۱-۱۲. مشاور مارشال تیتو
۱۸۱	۲-۱-۱۲. معاون وزیر
۱۸۲	۳-۱-۱۲. کارشناس تیم هسته‌ای
۱۸۴	۴-۱-۱۲. نزدیک شدن به نمایندگان مجلس
۱۸۵	۵-۱-۱۲. نظامیان پهلوی
۱۸۶	۶-۱-۱۲. ویژگی روانی و شخصیتی افراد
۱۸۷	۷-۱-۱۲. پرستوها
۱۸۹	۲-۱۲. نفوذ داوطلبانه
۱۸۹	۱-۲-۱۲. وابستگی ایدئولوژیکی
۱۹۱	۲-۲-۱۲. دیگر انگیزه‌ها
۱۹۳	فصل سیزدهم: نفوذ تقرب‌پایه موردی
۱۹۶	۱-۱۳. چین در تله نفوذ تعاملی
۲۰۳	۲-۱۳. سه پرونده در اتحاد جماهیر شوروی روی میز عملیات نفوذ تعاملی
۲۰۳	۱-۲-۱۳. در اندیشه چگونه پیروز شدن بدون جنگ
۲۰۵	۲-۲-۱۳. شواردناده در تله نفوذ

۲۱۰	۱۳-۲-۳. اعتماد افراطی گورباچف به رقیب
۲۱۴	۱۳-۳. نفوذ تعاملی در اوضاع تحریمی دوران ملی شدن صنعت نفت
۲۱۶	۱۳-۴. موضوع هسته‌ای، فرصتی برای نفوذ تعاملی
۲۲۷	۱۳-۵. نخبگان در کمین نفوذ تقریبی
۲۳۴	۱۳-۶. پهن کردن تور، با الهام از الگوهای جنگ سرد
۲۳۹	فصل چهاردهم: نفوذ تقرب پایه جریانی
۲۴۱	۱۴-۱. شبکه‌ای درهم تنیده و پیچیده به نام فراموش خانه
۲۴۸	۱۴-۲. شبکه‌سازی روشن فکری در مصاف مبانی فکری انقلاب
۲۵۲	۱۴-۳. شبکه نویسندگان، به مثابه شوالیه‌های نفوذ
۲۵۷	۱۴-۴. نشریات، دهلیز نفوذ جریانی
۲۷۳	۱۴-۵. شبکه‌سازی زنانه
۲۸۰	۱۴-۶. شبکه‌سازی دستوری در قشر دانشجویی

بخش پنجم: چهره پنهان (اغوا و جذابیت)

۲۸۹	فصل پانزدهم: نفوذ اغواپایه
۲۹۱	۱۵-۱. نفوذ ادراکی و شناختی
۲۹۳	۱۵-۱-۱. دست‌کاری در اطلاعات ورودی به چرخه محاسبات
۳۰۴	۱۵-۱-۲. دست‌کاری در فرایند تحلیل و پردازش
۳۰۷	۱۵-۱-۳. چهارچوب یا کلیشه‌سازی برای مدیریت برداشت‌ها
۳۱۰	۱۵-۱-۴. دست‌کاری روایت‌های رقیب
۳۱۶	۱۵-۱-۵. دست‌کاری منطق محاسبه
۳۲۵	۱۵-۲. نفوذ روانی و عاطفی
۳۲۸	۱۵-۲-۱. نفوذ در نظام انگیزشی و هیجانی
۳۳۶	۱۵-۲-۲. نفوذ در نظام نیازها و خواسته‌ها
۳۴۲	۱۵-۲-۳. نفوذ در نظام اعتمادپایه
۳۵۱	فصل شانزدهم: نفوذ جاذبه‌محور

۱-۱۶. قدرت تصویرسازی در نفوذ جاذبه محور.....	۳۵۶
۲-۱۶. ذائقه سازی.....	۳۵۸
۱-۲-۱۶. چیستی ذائقه.....	۳۵۹
۲-۲-۱۶. گام های شکل دهی ذائقه ها.....	۳۶۱
۳-۱۶. اسطوره سازی.....	۳۶۵
۱-۳-۱۶. چیستی اسطوره های نفوذگر.....	۳۶۵
۲-۳-۱۶. اسطوره سازی از امریکا و فرهنگ آن.....	۳۶۹
۳-۳-۱۶. اسطوره لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی.....	۳۷۳
۴-۱۶. استعاره های جذابیت ساز.....	۳۷۶
۵-۱۶. تماس های فریبنده.....	۳۷۹

بخش ششم: چهره پنهان تر (سوژه ساز و هویت ساز)

فصل هفدهم: نفوذ تربیتی و آموزشی.....	۳۸۹
۱-۱۷. موج اول نفوذ آموزشی.....	۳۹۲
۲-۱۷. موج دوم نفوذ آموزشی.....	۳۹۶
۳-۱۷. موج سوم نفوذ آموزشی.....	۳۹۸
۴-۱۷. موج چهارم نفوذ آموزشی.....	۴۰۸
۱-۴-۱۷. جهانی سازی آموزش و پرورش.....	۴۰۹
۲-۴-۱۷. نفوذ در نظام جامعه پذیری و فرهنگ پذیری جوامع.....	۴۱۱
فصل هجدهم: نفوذ ساختاری.....	۴۱۵
۱-۱۸. هنجارهای حقوق بشری.....	۴۱۹
۲-۱۸. هنجارهای حقوق کودک.....	۴۱۹
۳-۱۸. هنجارهای حقوق زنان.....	۴۲۱
۴-۱۸. سند توسعه پایدار.....	۴۲۳
۵-۱۸. جهانی سازی شاخص ها.....	۴۲۶
۶-۱۸. نوازندگی خارج از ارکستر بین المللی، ممنوع.....	۴۳۱

فصل نوزدهم: نفوذ گفتمانی	۴۳۷
۱-۱۹. انسان متمدن در برابر غیر متمدن	۴۴۰
۲-۱۹. مدرنیته و لیبرالیسم در برابر اسلام	۴۴۲
فصل بیستم: نفوذ فکری و معرفتی	۴۴۷
۱-۲۰. سیاست ضد نفوذ اندیشه‌ای نظام‌های لیبرال غربی	۴۴۸
۲-۲۰. نفوذ تفکر ترجمه‌ای	۴۵۹
۳-۲۰. نفوذ علوم انسانی غربی	۴۶۸
نتیجه	۴۷۷
کتابنامه	۴۸۱

مقدمه

موريس دوورژه در كتاب اصول علم سياست، سياست را به ژانوس، دوچهره‌اي اساطيري، تشبيه مي‌کند که يکي از چهره‌هايش نشان‌دهنده نظم و همگوني، و چهره ديگرش نشان‌دهنده مبارزه، پيکار، تعارض و تضاد است و اين چهره ژانوسي، گاه با صورتي نظم‌آفرين، و زماني با سيمايي تسلط‌جو تجلي مي‌کند. چهره نظم‌آفرين، روي سياست را نشان مي‌دهد و چهره سلطه‌جويي، زيرين و پنهان آن را شامل مي‌شود. بررسي آثار امام خميني علیه السلام، چهره ژانوسي سياست را بنيادي‌تر بر ما آشکار مي‌سازد. ايشان چهره اول و اصيل سياست را «سياست الهی»، و چهره پنهان و سلطه‌جوي سياست را «سياست شيطاني» نام گذاشت.

نفوذ از نظر علمای سياست، در قلب سياست جای دارد و از اين منظر، سياست با اعمال نفوذ برابري مي‌کند (دال و استاين بريکتر، ۱۳۹۲: ۲۵ و ۶۷). نفوذ از چهره‌هاي پنهان سياست و قدرت است. اين چهره پنهان، به تناسب چهره‌هاي اصيل و غيراصيل سياست، وجوه مثبت و منفي دارد.

نفوذ، به مثابه چهره پنهان سياست، در وجه منفي‌اش در عصر کنوني، بسيار متنوع، پيچيده و مرکب شده است؛ چنان‌که نفوذگرها يا بازیگران نفوذ نیز متکثر و توسعه يافته‌اند. نفوذ در اين سير، از سادگي به شکل پيچيده و مرکب، و از ماهيت سخت به نرم و هوشمند تبديل يافته؛ اما انگيزه و مقاصد اين چهره پنهان سياست، که تضعيف عناصر قدرت، تغيير رفتار يا ساختار است، همچنان حفظ شده. با اين وصف، اکنون نفوذ به عنوان چهره پنهان سياست، تطور يافته و عميق‌تر و پنهان‌تر شده که از آن، با تعبير «نفوذ فرانوین» یاد می‌شود. نفوذ فرانوین، مصادف با

عصری است که محققان از آن، با نام‌های مختلفی چون عصر دانایی، عصر اطلاعات، عصر انفجار اطلاعات، عصر ارتباطات، عصر سایبر، عصر دیجیتال، عصر فراصنعتی، جامعه شبکه‌ای، دهکده جهانی و عصر تکنولوژی یاد می‌کنند. برخی معتقدند که عصری که در آن زندگی می‌کنیم، عصر فراتکنولوژی‌هاست. منظور از فراتکنولوژی‌ها یا فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی، که از دهه نود در مقیاس جهانی گسترش یافتند، ترکیبی از کامپیوترها، رسانه‌های گروهی و نرم‌افزارهایی است که با کمک یکدیگر، نوعی محیط مجازی متشکل از شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی را در عرصه بین‌المللی تشکیل می‌دهند. فراتکنولوژی‌ها، برخلاف تکنولوژی و تکنولوژی‌های صنعتی مدرن، موجب سرعت و دگرگونی در ماهیت تعامل و ارتباطات جامعه بشری و همچنین ارتباط انسان با محیط اطراف و شتاب تغییرات نهادی در عرصه‌های بین‌المللی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شده‌اند (وحیدی، ۱۳۸۶: ۷۰۲).

این عناوین، بر تحول ماهوی ارتباطات بشری، نرم‌افزاری شدن جهان و تحول عظیم در روابط بین‌الملل و مفاهیم کلیدی آن دلالت دارند. همان‌طور که به تبع تحول هر دوره و عصری، مفاهیم راهبردی در روابط بین‌الملل مانند قدرت، جنگ، امنیت، تهدید و دفاع دستخوش دگرگونی شده‌اند، اکنون در عصر نرم‌افزارگرایی و رواج گفتمان نرم در مطالعات دفاعی - راهبردی نیز شاهد مفاهیمی مانند قدرت نرم، جنگ نرم، انقلاب نرم، امنیت نرم، تهدید نرم و دفاع نرم هستیم که به‌طور اساسی رابطه بین بازیگران قدرت را متحول کرده است. بازیگران سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اطلاعاتی و دفاعی - امنیتی در عصر نرم‌افزارگرایی، برای اعمال قدرت بیشتر، ترجیح می‌دهند که به جای استفاده از توانایی‌های سخت‌افزاری، از منابع قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نرم‌افزاری خویش بهره‌گیرند. در این عصر، هنجارها و هویت‌ها با تحول جریان و منطق قدرت از سخت به نرم، در کانون تفکرات استراتژیک قرار گرفته است. با این تحول، مقوله نفوذ به مثابه جنبه پنهان قدرت و سیاست نیز دستخوش دگرگونی نرم‌افزاری شده و به‌عنوان یکی از چهره‌های دیرین دولت‌های قدرتمند برای اعمال اراده بر دیگران، مورد بازخوانی، بازسازی و بازتولید واقع گردیده و در نتیجه، وجوه جدیدی از نفوذ را شکل داده است که در مقایسه با گذشته، به مراتب خفیه‌تر و مؤثرتر در تغییر رفتار و ساختار عمل می‌کند. این چهره نفوذ، معارضة آمریکا با جمهوری اسلامی ایران را نیز دستخوش تحولی

شگرف کرده؛ به طوری که رهبر معظم انقلاب، آن را از تهدیدهای بزرگ در فاز سوم جنگ نرم دانسته است (بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۵، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>).

به رغم این واقعیت، برداشت و درک درست و واقع‌بینانه‌ای از نفوذ تحول‌یافته وجود ندارد؛ چنان‌که برخی منکر چهره جدید نفوذ، به معنای مجموع اقدامات برنامه‌ریزی شده و نرم‌افزاری برای رخنه در نظام ایمانی و باوری و درهم‌شکستن آن هستند. آنها نفوذ را فقط به چهره نیمه‌پنهان سیاست می‌شناسند و به فرستادن جاسوس در سیستم‌ها محدود می‌کنند. برخی دیگر در تفسیر و برداشت از نفوذ، راه افراط را رفته‌اند و هر نوع استراتژی تعاملی و اثرپذیری از آن را نفوذ تلقی می‌کنند؛ درحالی‌که هرگونه تعاملی را نمی‌توان نفوذ نامید. برخی برعکس این دو دسته، به طور کلی طرح بحث نفوذ را توهم توطئه دانستند و عامدانه می‌کوشند آن را در قالب نظریه توطئه^۱ تفسیر کنند. اینها معتقدند کسانی که حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی را براساس تئوری نفوذ، به مثابه وجوه پنهان سیاست، تحلیل می‌کنند، گرفتار توهم‌اند و بدون کاوش‌های علمی و کشف علل حادثه، به توطئه دیگران نسبت می‌دهند. احمد اشرف، از سردبیران ارشد دانشنامه ایرانیکا^۲ که از مفصل‌ترین تحلیل‌ها به فارسی را درباره نظریه توطئه^۲ نوشته. وی در تعریف این نظریه می‌نویسد:

۱. گفتنی است که به کارگیری مفهوم تئوری توطئه در ادبیات رایج سیاسی، از دهه شصت میلادی، هم‌زمان با افزایش حجمه‌ها به سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) پس از ترور مشکوک کندی در ۱۹۶۳م افزایش یافت. محققان با استناد به مفاد گزارش سری شماره ۱۰۳۵-۹۶۰ آوریل ۱۹۶۷م بخش عملیات روانی سرویس مخفی سیا، که در ۱۹۷۶م، به موجب قانون آزادی اطلاعات (FOIA) و در پی درخواست نیویورک تایمز از طبقه‌بندی خارج شد، معتقدند که این آژانس نقش جدی در رواج این مفهوم داشت. این سند، دستورالعملی است که پس از ایجاد شک و تردید در افکار عمومی در خصوص یافته‌های کمیسیون وارن (Warren Commission) درباره ترور جان اف کندی، برای دفاتر سیا ارسال شده. این پژوهشگران، معتقدند دستورالعمل یادشده، با عنوان مقابله با انتقاد از گزارش کمیسیون وارن، نقش قطعی در تبدیل تئوری توطئه به یک سلاح در برابر هر فرد یا گروه منتقدی برای جلوگیری از گشایش باب پژوهش عملی در این دست موضوعات ایفا کرده است (ایزدی و شاد، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

۲. اولین بار احمد اشرف، یرواند آبراهامیان و همایون کاتوزیان، کتابی با نام جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران تدوین کردند که نشر نی آن را در ۱۳۸۲ منتشر کرد. برخی محققان این نظریه را نقد کردند که از آنها ابراهیم برزگر است که این کار را در مقاله‌ای در فصلنامه امنیت پژوهی در ۱۳۹۳ منتشر ساخت.

کسی که به توهم توطئه در مفهوم اخیر آن مبتلاست، تمام وقایع عمده سیاسی و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی را در دست پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه و سازمان‌های مخوف سیاسی و اقتصادی و حتی مذهبی وابسته به آن سیاست می‌پندارد. به گمان او، همه انقلاب‌ها، شورش‌ها، جنگ‌ها، عقب‌ماندگی‌ها و وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی، برآمدن و فروپاشی سلسله‌ها و دولت‌ها، ترورهای سیاسی و حتی کمبود محصولات کشاورزی، سقوط ارزش پول، قحطی‌ها و زلزله‌ها را دست پنهان بیگانه کارگردانی می‌کند و همه رجال کشور همچون عروسکان خیمه‌شب‌بازی، با اشاره او حرکت می‌کنند و اراده‌ای از خود ندارند (اشرف، ۱۳۷۴: ۷).

این نظریه، که در دو دهه اخیر، جریانی فکری از خارج و داخل، به صورت گسترده آن را تبلیغ می‌کند، تلاشی برای تبرئه اقدامات و عملیات پنهان غرب در کشورهایمانند ایران است. گفتنی است که این جریان، به نفی سیاست‌ها و مواضع اصولی و متقن جمهوری اسلامی درباره سیاست‌های براندازانه‌ای غرب می‌پردازد که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون دنبال شده است. ترویج برنامه‌ریزی‌شده این نظریه در مجامع فکری و فرهنگی ایران، به‌نوعی درگیری نگرش بخشی از نخبگان، تحصیل‌کرده‌ها و جریانات سیاسی را در پی داشت که هر نوع توطئه واقعی، اعم از عینی و غیر عینی را توهم پندارند. به بیان دیگر، اکنون با شارحانی از نظریه پردازان توهم توطئه روبه‌رویم که می‌کوشند تاریخ سلطه و نفوذ و تحول پارادایمی آن را با خلق استعاره‌هایی مانند توهم‌پنداری، کم‌رنگ، توجیه یا انکار کنند؛ درحالی‌که، با وجود واقعیت‌ها و حقایقی که در قالب اسناد تاریخی توسط دولت‌های توطئه‌گر منتشر شده است، یا خاطرات سیاستمداران، شخصیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی و بسیاری از مستندات دیگر، تردیدی باقی نمی‌ماند که سیاست بین‌المللی را نمی‌توان بدون چهره نیمه‌پنهان، پنهان و پنهان‌تر آن، که مداخله‌جویی نرم و نفوذ و نفوذگذاری است، تصور کرد.

در جامعه جهانی، که دولت‌ها و نظام‌های سلطه‌گر و سیاستمداران ناصالح و قدرت‌طلب رکن اصلی آن را تشکیل می‌دهند، وجوه پنهان سیاست و قدرت در قالب بازی‌های استراتژیک نفوذ و نفوذگذاری، امر انکارناپذیری است. در چنین نظام بین‌المللی، اسب‌تروا همچنان به‌مثابه یک بازی استراتژیک، قدرت توجیه‌کنندگی خود را برای تبیین سیاست‌ها و کنش‌های

سلطه دارد. درواقع، اسب تروای عصر نوین و فرانوین، همان چهره‌های پنهان سیاست است که با حرکتی بازیگران سلطه‌گر فرانوین، پیوسته موریانه‌وار برای نفوذ در نظام باوری، شناختی و عاطفی جامعه هدف، تولید و بازتولید می‌کنند. همچنین این حقیقت، اثبات‌شدنی است که نظام سلطه در عصر نرم‌افزاری و غلبه قدرت نرم و هوشمند، چهره‌ای پیچیده، ذوابعاد، متنوع و نظام‌مندی را بر پایه دانش علوم رفتاری، تکنولوژی‌های مدرن ارتباطاتی و ابزارها و روش‌های گسترده، طراحی کند که بدون حساسیت و چه‌بسا با احساس رضایت جامعه مخاطب، وارد نظام ادراکی، اعتقادی، عاطفی و گفتمانی آن جامعه شود و قلعه و برج و باروهای آن را فتح کند.

بااین‌توصیف، پیچیدگی‌های نفوذ و هوشمندانه‌تر شدن آن، شناسایی و باور به نفوذ و نفوذی را برای بسیاری دشوار کرده است و متأسفانه، مروجان نظریه توهّم توطئه هم بر این دشواری افزوده‌اند. درواقع، توسعه و گسترش نظریه توهّم توطئه، به‌ویژه در مجامع دانشگاهی، به چالشی آکادمیک برای الگوواره نفوذ تبدیل شده و کاهش آستانه حساسیت کارگزاران، نخبگان و مردم را در پی داشته.^۱ این در حالی است که نفوذ در عصر نوین و فرانوین از نیمه‌پنهان به پنهان و پنهان‌تر متحول شده. بنابراین، باتوجه‌به این دگرگونی و پیامدهای پُرخطر و بعضاً جبران‌ناپذیر برداشت‌های نادرست و تلقی توهّم توطئه، لازم است این چهره پنهان سیاست، که نقش و جایگاه راهبردی در رقابت‌ها و منازعات بین‌المللی و داخلی دارد، بازشناسایی شود.

سیامک باقری چوکامی

پاییز ۱۳۹۹

۱. رهبر انقلاب در بخشی از این بیانیه، به خیابان‌ها و دشمنی‌های امریکا علیه جمهوری اسلامی پرداخت و فرمودند: «وقتی ما می‌گوییم دشمن داریم، می‌گویند آقا، شما دچار توهمید؛ توهّم توطئه، خود این مطرح‌کردن توهّم توطئه، به نظر ما یک توطئه است؛ برای اینکه حساسیت‌ها را کم کنند» (بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۹۵/۳/۱۴، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>)

از آشفتگی مفهومی تا آرامش معنایی

اگر کسی دشمن و خودش را بشناسد، در هزار جنگ هم که وارد شود، خطری متوجه او نخواهد بود. اگر تنها خودش نه دشمن را بشناسد، گاهی برنده و گاهی بازنده خواهد بود. اگر نه دشمن و نه خودش را بشناسد، در هر نبردی شکست خواهد خورد (Tsu, 1971: 84).

دشمن‌شناسی، که در بیان استراتژیست قبل از میلاد به درستی مطرح شده، بیشتر مربوط به قدرت و توانایی‌های ملموس دشمن و خودی است؛ هرچند قدرت نامرئی دشمن را که بعد نیمه‌پنهان سیاست و جنبه‌های عملیات فریب آن است، نادیده نمی‌گیرد. باوجوداین، نگاه قاعده‌مند به عبارت بالا ایجاب می‌کند که در همه عصرها باید دشمن را واقع‌بینانه و عمیق شناخت. شناخت دشمن یعنی شناخت قدرت و سیاست‌های او؛ ازاین‌رو، شناختی مؤثر، کارآمد و شکست‌ناپذیر است که همه لایه‌های قدرت و سیاست‌های دشمن درک شود. لایه‌های قدرت و سیاست، شامل لایه‌های آشکار، نیمه‌پنهان، پنهان و پنهان‌تر و عمیق می‌شوند. لایه‌های غیر ملموس و ناآشکار قدرت و سیاست در عصر مدرن و فرامدرن، همان نفوذ با همه پیچیدگی‌هایش است؛ زیرا قدرت و سیاست در ادبیات استراتژیست‌ها، چیزی جز نفوذ نیست و لایه‌های درونی و درونی‌تر نفوذ است که قدرت و سیاست را تعیین می‌کند. بنابراین، کسی که این لایه‌ها را با همه زوایایش نشناسد، همیشه در غافلگیری و شکست خواهد بود.

باین وصف، گام نخست شناخت دانشواژه راهبردی و ناشناخته، اما بسیار استفاده شده نفوذ است. اصولاً قضاوت صحیح درباره هر پدیده، قبل از هر چیز، نیازمند داشتن تصویری صحیح از آن است. نفوذ از واژگان پرکاربرد در علوم اجتماعی، سیاسی، راهبردی و اطلاعاتی است؛ اما از سویی میان محافل فکری و نخبگی برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد و نظر واحدی بر سر آن نیست و از سوی دیگر، این مفهوم نزد افکار عمومی به صورت ناقص و بیشتر با مفاهیم جاسوسی و عملیات اطلاعاتی یعنی با یک لایه ضعیف قدرت و سیاست متبادر می‌شود. از این رو، در این فصل، می‌کوشیم تا با ارائه تصویری مجمل از آشفتگی و چالش‌های مفهومی و ارزیابی آن، به معنای نسبتاً اطمینان بخشی دست یابیم.

The hidden face of politics

Recognition of the transformation of influence from semi-hidden to hidden and more hidden

محتوای این کتاب نشان دهنده این حقیقت است که سیاست را نمی توان با جنبه های آشکار آن تحلیل و قضاوت کرد. سیاست به مثابه کوه یخی علاوه بر لایه های آشکار و سطحی، لایه های پنهان و عمیقی دارد. وقتی از لایه های آشکار سیاست عبور کنیم با مقوله نفوذ روبه رو می شویم که قلب سیاست و چهره پنهان آن را تشکیل می دهد. این چهره پنهان سیاست همواره نقش و جایگاه راهبردی در رقابت ها و منازعات سیاسی داشته و عامل تعیین کننده ای در شکست ها و پیروزی ها بوده است، اما در عصر کنونی آنچنان پیچیده و عمیق تر شده است که قادر است بدون حساسیت و چه بسا با احساس رضایت جامعه مخاطب، وارد نظام ادراکی، اعتقادی، عاطفی و گفتمانی آن شده و قلعه و برج و باروهای آن را فتح نماید. بنابراین بازشناسی مقوله نفوذ در این کتاب در واقع روشی برای آشکار سازی چهره های خفیف و پیچیده سیاست است که برای هر جامعه ای امری ضروری و حیاتی به شمار می آید.

Imam Sadiq Research Institute For Islamic Sciences